عمل گروگان‌گیری من‌حیث‌المجموع مورد تایید امام و بالنتیجه مورد تایید مردم قرار گرفته و آنچه که به من ربط دارد اقداماتی است که در این زمینه انجام می‌دهم.

پاسخ وزیر خارجه اسبق به درخواست افشای گفت‌وگوهای دیپلماتیک؛



برگرفته از روزنامه «کیهان» - ۴ دی ۱۳۵۸

«چنانچه فشار آمریکا بر ما زیادتر شود احتمالاً هیات منصفه بین‌المللی را تشکیل نخواهیم داد.» صادق قطب‌زاده عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه در یک گفت‌وگوی اختصاصی یکساعته با کیهان ضمن اعلام این مطلب، سیاست‌های تازه وزارت امور خارجه را تشریح کرد و به پرسش‌های متعدد کیهان پاسخ داد. قطب‌زاده در این گفت‌وگو خواستار تشکیل محکمه‌ای برای بررسی عملکرد خود در رادیو تلویزیون شد. قطب‌زاده همچنین در گفت‌وگو با کیهان اعلام کرد که اعتراض خود نسبت به نحوه دستگیری عباس امیرانتظام را کتباً تسلیم امام کرده است. وزیر امور خارجه در این گفت‌وگو ضمن پاسخ به سؤالات خبرنگار کیهان گفت هیچگونه دخالتی در مورد عدم حضور بنی‌صدر در جلسه شورای امنیت نداشته است. وی گفت مهندس بازرگان مرا متهم به کودتا علیه دولتش کرده بود. مشروح گفت‌وگوی خبرنگار کیهان با صادق قطب‌زاده از این قرار است:

***

به طوری که از این‌سو و آن‌سو شنیده می‌شود شما یک موضع دوگانه در برابر گروگان‌های آمریکایی دارید. واقعیت چیست؟ دلتان می‌خواهد آن‌ها آزاد شوند یا بمانند و محاکمه شوند. در پاسخ به این سوال یک بار و برای همیشه اگر لازم است روراست باشید.

من همیشه روراست بوده‌ام و شاید همین مسئله سبب مشکلاتی برای من شده است. من همیشه حقیقت را می‌گویم و نگرانی از بازتاب آن ندارم؛ اما مسئله گروگان‌ها و سوءتفاهمی که برای بسیاری پیدا شده در رابطه با مصاحبه من با خبرنگاران خارجی بوده و حتی مصاحبه‌ای که از من گذاشته شد در تلویزیون قسمتی از آن قطع شده بود که علت آن را نمی‌دانم و توضیح مسئله روشن نبود. امام خمینی به من دستور دادند که یک هیات بین‌المللی تشکیل دهیم برای بررسی جنایات آمریکا در ایران و یک هیاتی برای دیدار از گروگان‌ها. من حتی در مورد دیدار گروگان‌ها این مسئله را به تعویق انداختم و پیشنهاد کردم که این دیدار همزمان با میلاد حضرت مسیح انجام شود که امام هم قبول کردند و دستور هم به شورای انقلاب دادند تا در حقیقت مراسم مذهبی را هم به جای آورند. آن چیزی را که امام به من دستور داده بودند فقط این بود که من این کار را تعقیب کنم یعنی بررسی سیاست تجاوزکارانه آمریکا در ایران را و بنابراین به من دستور محاکمه نداده بودند و من هم در برابر جو بین‌المللی راجع به این مطلب صحبت کردم که فعلا مسئله محاکمه گروگان‌ها مطرح نیست اما این کلمه «فعلا» را از آن حذف کرده‌اند و بقیه آن را گرفته‌اند و داد و قال بی‌مورد راه انداخته‌اند؛ اما در آینده چه خواهد شد و چه وضعی پیش خواهد آمد طبیعتا این بستگی دارد به خیلی از مسائل، ولی من درست در آن خطی که امام معین کرده بود و دستور داده بود حرکت کردم و خواهم کرد. سیاست من راجع به این مطلب خیلی روشن است. من موظف هستم که دستورات رهبری را موبه‌مو انجام دهم و در مواردی که رهبر دقیقا و صریحا اظهارنظر نکرده با سایر همکارانم در شورای انقلاب بنشینیم و بررسی کنیم و تصمیم مشترکی اتخاذ کنیم. من به‌هیچ‌وجه موظف نیستم از ارگان‌های دیگری چه رسمی و غیررسمی دستور بگیرم و یا

دستوری را انجام دهم. این مسائل باید روشن باشد. همین دیروز عده‌ای از تبریز آمده بودند اینجا و داد و قال می‌کردند. به آن‌ها هم گفتم که از من توقع نداشته باشید که من دستورات امام را رها کنم و تمایلات هر کس دیگری را انجام دهم ولو اینکه شما بگویید این تمایلات درست است یا غلط است برای من فرقی نمی‌کند، آن چیزی که هست آن است که اراده مردم از زبان امام جاری می‌شود و چون امام دستور می‌دهد آن کار باید انجام شود و من هم انجام می‌دهم. به هر حال راجع به اینکه گروگان‌ها باید آزاد شوند یا نشوند این بستگی به خیلی چیزها دارد. ما مسائل زیادی با آمریکا داریم و این مسائل باید حل شود: مسئله اول استرداد شاه است و ما در پاناما هم داریم اقدام می‌کنیم که به زودی ان‌شاءا این اقدامات رسما اعلام خواهد شد.

[در مورد تشکیل هیات منصفه] تا فردا در همین زمینه اعلامیه‌ای خواهیم داد. این‌طور به نظر می‌رسد که متاسفانه سیاست آمریکا بر این پایه قرار گرفته است که بخواهد در مقابل حسن نیتی که ما از خود نشان می‌دهیم اعمال قدرت و نظر کند و بنابراین درباره این هم اگر ببینیم که آمریکا می‌خواهد زیادتر فشار بیاورد به عرض امام خواهم رساند که حتی لزومی هم به هیات منصفه بین‌المللی نیست و در مجموع اگر آمریکا بخواهد فشارش را زیاد کند هیات منصفه بین‌المللی تشکیل نخواهد شد.

به نظر شما دانشجویان پیرو خط امام در کدام جناح سیاسی جای دارند؟ اکنون آن‌ها در مورد مسائل مختلف اظهارنظر می‌کنند. تکلیف دولت در این میان چیست؟

من تنها چند تن از آن‌ها را می‌شناسم ولی نمی‌توانم بگویم از کدام دسته سیاسی هستند و به کجا وابسته هستند و وضعشان چگونه است؛ اما آنچه مسلم است عمل گروگان‌گیری من‌حیث‌المجموع مورد تایید امام و بالنتیجه مورد تایید مردم قرار گرفته و آنچه که به من ربط دارد اقداماتی است که در این زمینه انجام می‌دهم. از اینکه آن‌ها بعضی از اعمال نظرها را کرده‌اند من بی‌نهایت متاسفم و آنچه که مربوط است به من و من مسئول اداره آن هستم همان‌طور که گفتم نه دستور از کسی می‌گیرم و نه زیر فشار احدی خواهم بود. من فقط از امام دستور می‌گیرم و تصمیمات مشترک شورای انقلاب را پیاده می‌کنم ولا غیر و این مسئله برای همه کم‌وبیش روشن است که من زیر بار هیچ‌گونه فشاری نمی‌روم، تا به حال نرفته‌ام و در آینده هم نخواهم رفت. ضمنا همان‌طور که گفتم به آن عملی که مربوط می‌شود به تسخیر لانه جاسوسی من از همان موقع هم که در رادیو تلویزیون بودم بیشترین کمک را در این زمینه انجام دادم از لحاظ تبلیغاتی و تمام قدرت تبلیغاتی را پشت سر این ماجرا گذاشتیم و این خود علامت و نشانه این بود که من تا چه اندازه نسبت به این عمل حساسیت داشتم و عمل کردم ولی اگر این موجب شود که روی من فشار غیرمنطقی بیاید من زیر فشار غیرمنطقی نمی‌روم.

شما وزیر امور خارجه مملکتی هستید که نخست‌وزیر ندارد. آیا اصولا اعتقادی به حضور نخست‌وزیر در این مملکت دارید؟

مسئله اعتقاد داشتن یا نداشتن نیست. مسئله این است که یک امر فوق‌العاده اتفاق افتاده و شورای انقلاب مسئولیت اداره مملکت را دارد و ان‌شاءا با انتخاب رئیس‌جمهور و مجلس، نخست‌وزیر هم انتخاب خواهد شد و این قضیه موقتی خواهد بود اما در اینکه ما دستور از امام می‌گیریم هیچ تردیدی نیست.

شما روزگاری به مطبوعات این مملکت به عنوان نشر اکاذیب حمله می‌کردید در حالی که آن‌ها مثلا می‌گفتند که عباس امیرانتظام یا کسانی نظیر او ماموران خارجی هستند اما شما گفته‌اید که از جریان بازداشت امیرانتظام اطلاعی نداشته‌اید. این موضوع را در رابطه با مسئولیت خود در وزارت خارجه و جنجال مطبوعات خارجی در این مورد که می‌نویسند در ایران عملا دولتی وجود ندارد چگونه توجیه می‌کنید؟

در مورد مسئله امیرانتظام همان‌طور که گفتم این امر کاملا بدون اطلاع من بوده و من در این زمینه صریحا و رسما و علنا اعتراض کردم چون مطابق تصویب شورای انقلاب در گذشته و امر امام خصوصا به دادگاه انقلاب دستور داده شده بود که هیچ کس را در ادارات دولتی بازداشت نکند مگر با نظر مسئولان آن سازمان و در این مورد متاسفانه این‌طور عمل شده و دادگاه انقلاب و در حقیقت دادستان کل انقلاب در این جریان به من خبر نداده و حتی بعد از آنکه ایشان دستگیر شده بود و من تلفن کردم که از واقعه امر اطلاع پیدا کنم ایشان هیچ تلفنی را جواب نداد و من این اعتراض را خدمت امام هم کردم اما اینکه مملکت در امن و امان است آن‌قدرها هم در امن و امان نیست؛ مشکلات بسیار فراوان است و هر روز ابعاد آن گسترده‌تر می‌شود و ما در اینکه نمی‌رسیم مشکلات را حل کنیم تردیدی نیست و به همین دلیل هم اراده امام بر این تعلق گرفته که انتخابات هرچه زودتر انجام شود و مملکت مسئولان واقعی خود را پیدا کند تا بتوانند با قاطعیت عمل کنند. این در واقع اصل ماجرا است و اینکه خارجیان می‌گویند در ایران هیچ کس نیست این ناشی از یک مقدار تبلیغات زیاده از حد است و مقداری هم واقعیت‌های داخلی ایران که متاسفانه مراکز تصمیم‌گیری متعدد است و هر کس این روزها برای خود تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند و برای مردم غیرقابل تحمل است.

در مورد این مسئله که من روزنامه‌ها را تعطیل کردم، من حتی یک روزنامه را در این مملکت تعطیل نکردم و موافق تعطیل هیچ روزنامه‌ای هم نبودم و حتی آن روزنامه‌هایی که شدیدا به من حمله می‌کردند یک بار هم صحبت از تعطیل این‌ها را با احدی نکردم در این مملکت و حتی وقتی که دیدم سیل توقیف‌های روزنامه‌ها جاری شده اولین نفری بودم که ایستادم و گفتم نباید بشود و خدمت امام هم عرض کردم که امام هم این مسئله را قبول داشتند و همان‌طور که ملاحظه می‌شود بسیاری از روزنامه‌ها فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کردند؛ بنابراین آنچه را که می‌توان جز اختصاصات من قرار داد این است که به یک معنا رفع گرفتاری و ناراحتی از روزنامه‌ها است نه تعطیل آن‌ها، اعتقاد دارم که مطبوعات باید آزاد باشند و هرچه دلشان می‌خواهد بنویسند ولی البته با ضوابطی که توهین نکنند و کسی را بی‌شخصیت نکنند و در مورد امیرانتظام هم ایشان متهم است و باید رسیدگی شود و بنابراین تا موقعی که دقیقا رسیدگی نشده نباید اعلام محکومیت کرد و این شیوه اسلامی نیست. من آشنایی با امیرانتظام نداشتم و ایشان را به طور مختصر دو بار در آمریکا دیده بودم و بعد هم از بدو انقلاب که ایشان

مقامی را احراز کردند و واقعا هیچ‌گونه صمیمیتی با او نداشتم بلکه یک شناسایی عادی بود.

آیا پشیمانید که به ایران آمدید و یکی از ارگان‌های حکومت انقلابی را به دست گرفتید یا خوشحالید. به هر حال اکنون چه چیزی را ترجیح می‌دهید؟

هیچ چیز برای من زیباتر و عظیم‌تر از آن نبود که به وطنم در نزد مردم عزیزمان برگردم و این هیچ پشیمانی ندارد و از این خوشحال‌تر نمی‌توانم باشم خصوصا برای کسی که ۲۰ سال در نفی بلد به سر برده، مصائب بزرگی برایش پیش آمده به طوری که ساواک هم اعلام کرد که دو بار قصد جان مرا در خارج از کشور داشتند. این دلیلی بود که من یک لحظه رژیم و حکومت گذشته را غافل نگذاشتم و این مبارزه، مبارزه‌ای سخت، طولانی، ناراحت‌کننده و نسبتا مشکل بود. حال در اینکه این مسئولیت‌هایی را که پذیرفتم از صمیم قلب بگویم که این مسئولیت‌ها را بنا به وظیفه‌ای که امام به من محول کردند و آن عشق و علاقه‌ای که من سال‌های سال به امام داشتم و بر این اساس پذیرفتم. زیاد مایل نبودم خصوصا رادیو تلویزیون که واقعا خیلی زحمت بود، خیلی ناراحتی کشیدم در آنجا و خیلی به من فشار آمد اما توانستیم این سازمان را راه بیندازیم و این سازمان تنها سازمانی بود که روی یک روال صحیح افتاده بود و حالا هم در این شرایط بسیار حساس مملکتی که تمام کارها برمی‌گردد به سیاست خارجی و در رابطه با خارج و وضعی که وجود دارد دوباره قرعه فال به نام من بیچاره زدند و نمی‌دانم چرا بار سخت‌ترین جریانات را باید همیشه من بر دوش بکشم و شاید این هم از عنایات پروردگار است برای آزمایش انسان‌ها. حداقل تا زمانی که امام هست من هم هستم.

شما را متهم می‌کنند که در زمان ماموریت در رادیو تلویزیون بسیاری از آشوب‌های مملکت را دامن زده‌اید. در این مورد چه نظری دارید؟

من از خدا می‌خواهم که از من یک محاکمه بشود در مورد رادیو تلویزیون، یک محاکمه‌ای که در آن خود رادیو تلویزیون هم حضور داشته باشند، افرادش که در آنجا هستند حضور داشته باشند، مردم ببینند و بشنوند که ما جلوی بسیاری از آشوب‌های مملکت را گرفتیم. بسیاری از آشوب‌هایی را که با نهایت دقت طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی شده بود که ما نگذاشتیم و در نطفه خفه کردیم و یا به حداقل ممکن رسانیدم. بدون تردید می‌گویم که همکارانم با من در رادیو تلویزیون در ده ماهه اول انقلاب بدون تردید بزرگترین خدمت را به ثبات جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی کردند البته اینکه می‌گویم منهای امام مطرح می‌کنم برای اینکه ایشان مرکز ثبات هستند. سه تا از بزرگترین و حساس‌ترین انتخابات این مملکت را از سر گذراندیم با موفقیت کامل و هرجای این مملکت آشوب می‌شد ما می‌خواباندیم. حتی بعضی اوقات با تهدید شورشی‌ها را آرام می‌کردیم و گاهی اوقات با اعزام افراد متخصص در محل منهای دولت و قبل از آنکه به جای بدی برسد زود آرام می‌کردیم. آینده نشان خواهد داد که ما چه تلاشی کرده‌ایم و خیلی دلم می‌خواهد که یک چنین محکمه‌ای تشکیل بشود و من بسیاری از چیزها را بتوانم پاسخ بدهم تا خیلی از افراد روشن شوند که چه شده است.

می‌گویند که منصور فرهنگ [نماینده ایران در سازمان ملل] تبعه آمریکاست و مجله دیلی‌نیوز هم به این مسئله اشاره کرده است. پاسخ شما به این مسئله چیست؟

دروغ می‌گویند. من این مسئله را سه بار به آقای فرهنگ تذکر دادم. آقا فرهنگ مطابق تمام ایرانی‌هایی که آنجا بودند بعد از مدتی فقط یک کارت اقامت دریافت کرده بود که آن موقع از طرف آقای دکتر یزدی به سمت رایزن فرهنگی در آنجا منصوب شد. آن کارت اقامت را هم پس داده بود؛ بنابراین ایشان ابدا تبعه آمریکا نیست و نه دیلی‌نیوز و نه کسانی که خواستند این کار را انجام دهند هیچ کدامشان مدرک ارائه نکردند. حال آنکه آن‌ها می‌توانند این مسئله را منتشر کنند چرا انتشار ندادند؟! ما از آن‌ها خواستیم که اگر مدرکی دارند منتشر کنند. برای من حرف آقای فرهنگ که او را می‌شناسم خیلی زیادتر ارزش دارد تا مطلب روزنامه‌های خارجی و بدبختی ما در این مملکت این است که هرچه را که روزنامه‌های خارجی می‌نویسند قبول می‌کنیم. یک مقدار سوءتفاهمات هم میان برادران و خواهران پیرو خط امام در لانه جاسوسی آمریکا و من این بوده، آن‌ها بیشتر توجه داشتند به اینکه خبرگزاری‌ها از قول من چه نقل می‌کنند تا من خودم چه گفتم. بنابراین زیاد به این خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های خارجی نباید اهمیت داد و این غیرواقعی است ولی چون گفته شده متاسفانه من باید جواب بدهم و جوابش هم همین است که این حرف واقعیت ندارد و من از آقای فرهنگ هم خواستم که رسما این حرف‌ها را تکذیب کنند و هر کسی که مدرک دارد ارائه کند.

در مورد سفارتخانه‌های خارج دانشجویان پیرو خط امام گفته‌اند که پاکسازی نشده و باید از دانشجویان ایرانی مقیم خارج و افراد مسئول استفاده شود. این پاکسازی که شما اعلام کرده‌اید پاکسازی نبوده بلکه قطع حقوق کسانی بوده که یا فراری بودند و یا بازنشسته و یا کنار گذاشته شده و یا حتی معدوم. در صورتی که پاکسازی باید در زمینه افراد شاغل انجام گیرد. عده‌ای معتقدند که شما برای لوث کردن قضیه قطع حقوق را به عنوان پاکسازی مطرح کرده‌اید.

دو مسئله متفاوت است: یکی همین قطع حقوق. آیا کسی می‌تواند در این مملکت تصور کند که منصور قدر و هرمز قریب و عناصری این‌چنین هنوز در این مملکت حقوق بگیرند! خود این یک نوع پاکسازی نیست؟! یا اینکه این‌ها بازنشسته شوند. در حالی که این‌ها باید منفصل از خدمت شوند و در ثانی من چیزی را که اعلام کردم سه چهار روز بعد از ورودم به اینجا بود. من چگونه می‌توانستم در این مدت همه را بشناسم و برنامه پاکسازی را در سطح شاغلین هم انجام دهم و کاری که کردم این بود که در این سازمان هیچ گاه تا به حال یک حکم انفصال هم صادر نشده بود و من این حکم‌های انفصال را صادر کردم و حقوق آن‌ها را هم قطع کردم و در نتیجه از ماه گذشته نگذاشتم که بیت‌المال مملکت مورد تهدید قرار گیرد و من انفصال آن‌ها را اعلام کردم؛ اما در مورد اجرای برنامه پاکسازی، کمیته پاکسازی تشکیل شده است و سرگرم رسیدگی به پرونده‌های پرسنلی کلیه کارکنان وزارت خارجه است و هر آدم نابابی را هر کجا پیدا کنیم مرخص خواهیم کرد. البته با همان قاطعیت و سرعتی که

در رادیو تلویزیون کردیم و در این زمینه هم کوچکترین تخفیفی قائل نخواهیم شد و این هم به دو دلیل است: یکی اینکه افراد ناباب در وزارت امور خارجه نباشند و دیگر اینکه افرادی که می‌مانند اعاده حیثیت کامل از آن‌ها بشود تا بتوانند کار کنند اما در مورد اینکه در خارج از کشور پاکسازی نشده مطلب تازه‌ای نیست. این مطلب که از مدت‌ها قبل گفته شده و حتی حجت‌الاسلام شیخ حسین نوری در مسافرت اخیرشان تحقیقات صحیحی را انجام داده‌اند. امیدواریم که می‌توانیم افراد سفارتخانه‌ها در خارج از کشور را هم به وضعشان رسیدگی و پاکسازی کنیم و ان‌شاءا برنامه پاکسازی در خارج از کشور هم تا سه ماه آینده اجرا خواهد شد.

گفته می‌شود که شما حقایق را از مردم پنهان می‌کنید و واقعیت‌ها را با مردم در میان نمی‌گذارید. به عنوان مثال خود شما بارها تاکید کردید که چند بار با والدهایم تلفنی صحبت کرده‌اید. چرا محتوای این گفت‌وگوها را فاش نمی‌کنید و به گفته دانشجویان پیرو خط امام این همه تماس و رابطه داشتن مغایر سیاستی نیست که امام واضع آن هستند؟ این مسئله علاوه بر این شایعاتی را هم میان مردم پراکنده است.

اولا ما جز واقعیت چیزی را با مردم در میان نگذاشتیم و کی همه مطالب را نگفتیم که این دفعه دوم باشد! ما همیشه واقعیت‌ها را عنوان کردیم. به شایعات هم اهمیت ندادیم و نخواهیم داد برای اینکه شایعه هر نوعی که هست ارزشش به همان اندازه کسی است که شایعه می‌پراکند. ملاقات با والدهایم هم همان موقع که گفتم در جریان شورای امنیت بود. دو، سه بار ایشان تلفن کردند و طبیعتا من در مقام مسئولیتم باید صحبت کنم و محتوای قضیه فقط این بود که سیاست دولت ایران چیست، علت این را که چرا در شورای امنیت شرکت نمی‌کنیم و بعد هم متذکر شدم که ما هیچ‌گونه قطعنامه یک‌طرفه‌ای را نمی‌توانیم قبول کنیم و اصولا باید به مسئله شاه و جنایات آمریکا در ایران رسیدگی کامل شود که این‌ها بخش عمده‌ای از بحران بین‌المللی است که اتفاق افتاده. با توجه به این مسئله من اگر هر روز بخواهم همین مذاکرات را به هر وزیر خارجه و سفیری بگویم باید تمام تیتر روزنامه‌ها را بگیرم. اگر چیز تازه‌ای بود که اثرات آن ظاهر می‌شد ما مواضعمان را به همه می‌گوییم اما در مورد اینکه امام گفتند با کسی تماس نگیریم نباید اشتباه کنیم. امام فرموده بودند که با آمریکایی‌ها تماس نگیرید و نگفته بودند که با هیچ کس در دنیا تماس نگیرید. اگر کسی فکر می‌کند که من باید اینجا بنشینم و با هیچ کس تماس نگیرم چرا من اینجا بنشینم زیرا اصل بر تماس است و من با همه دنیا در تماس هستم و این تماس را ادامه خواهم داد؛ ولی با آمریکایی‌ها هیچ‌گونه مذاکره‌ای و تماسی برقرار نشد و نمی‌شود و دستور امام است. آقای والدهایم هم هر وقت تلفن کند گزارش وضع سازمان ملل را بازگو می‌کند و نقطه نظر ما را می‌خواهد که ما هم نقطه نظرهای خویش را خیلی روشن و صریح می‌گوییم و هیچ نگرانی هم در این زمینه نداریم.

[در مورد مخالفت با شرکت ابوالحسن بنی‌صدر در شورای امنیت] تنها مخالفت من نبود بلکه مخالفت تقریبا همه اعضای شورای انقلاب بوده و خصوصا مخالفت شخص امام و امام دستور فرمودند که ایشان نروند؛ بنابراین همه را بر سر من و رادیو تلویزیون خراب کردن بی‌عدالتی بود و این سوءتفاهمی بود که برای ایشان پیدا شده بود؛ اما در اینکه من موافق نبودم بروند من فکر می‌کنم با توجه به جوی که ما داشتیم و با توجه به نظر امام و با توجه به مواضعی که دانشجویان داشتند کوچکترین امکان موفقیت در شورای امنیت نبود. البته یک مقدار مسئله تبلیغاتی بوده و این تبلیغات را ما در اینجا کردیم ولی در آن موج عظیم تبلیغاتی آن‌ها اثر نداشت ولی شرکت در آنجا ما را تقریبا متعهد می‌کرد نسبت به وضع قطعنامه‌ای که صادر کردند و دیدیم و بنابراین من علاج واقعه را قبل از وقوع کردم و نظر به این بود که چیزی را که مطمئن نیستند که به توافق برسید و یا قطعنامه‌ای صادر شود که این‌طوری باشد من از اول پیش‌بینی آن را کرده بودم بابت این خودمان را متعهد نکنیم و جریان امر هم نشان داد که نظر من درست بود.

از این گذشته آقای بازرگان و دولتش هم فکر کرد که حمله به دولت تقصیر من بود و رادیو تلویزیون طوری عمل کرده که حمله به دولت کند تا دولت ساقط شود در حالی که دانشجویان پیرو خط امام بودند که لانه جاسوسی آمریکا را اشغال کردند و حوزه علمیه قم، علما، روحانیون و اقشار مختلف مردم بودند که با انتشار اعلامیه از این اقدام پشتیبانی کردند و در اعلامیه‌های خود به دولت حمله کردند و ما بسیاری از حملات به دولت را پخش نکردیم و امکان فیزیکی برای انتشار اعلامیه‌ها وجود نداشت. من چه نظری در مورد حکومت دولت آقای بازرگان داشتم که با نهایت احترامی که برای ایشان قائل هستم بخواهم حکومت ایشان را ساقط کنم اما به من اتهام زدند که من کودتا کردم علیه ایشان.

منبع/ تاریخ ایرانی

برچسب ها: انقلاب [1]
تاریخ [2]